

### نقد اول بر کتاب «تماشای جان»

از: حجت الاسلام علی دوانی

در کتاب «تماشای جان» نوشته‌ی دکتر علی اکبر افراسیاب پور مقاله‌ای تحت عنوان «گزارشی از علمای نهاوند» چاپ شده و جمعاً ۱۷ نفر از علمای نهاوند را شناسانده‌اند، بدون این که از شخصیت مشهور و برجسته‌ای مانند آیت‌الله آقا احمد آل آقا ذکری شده‌باشد! باعث کمال تعجب است که من دو سال قبل در «همایش نهاوندشناسی شهریور ۱۳۷۹» ۲۷ نفر از علمای نهاوند را به اجمال شناساندم، که اغلب آن‌ها در مقاله‌ی مزبور هم آمده است. در آن جا از مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل نهاوندی (متوفی به سال ۱۳۲۵ شمسی) نام بردم و به معرفی اجمالی خاندان آل آقا در نهاوند و علمای این خاندان تا آقا محمود نواده‌ی استادکل وحید بهبهانی، که در حدود سال ۱۲۳۰ قمری به نهاوند آمده و ماندگار شده‌اند پرداختم.

در شماره‌ی یکم مجله‌ی فصل‌نامه‌ی «فرهنگان» هم مقاله‌ی مفصلی تحت عنوان «خاندان استادکل وحید بهبهانی در نهاوند» نوشتم و علمای این خاندان از آقا محمود و فرزندان او آقا علی و آقا فخرالدین قاضی صاحب «حمام قاضی» در نهاوند، و نواده‌ی او آقا کاظم و نتیجه‌ی او مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا که همگی از علمای نهاوند بوده‌اند و در نهاوند می‌زیسته‌اند، نام بردم. تعجب است که آقای افراسیاب پور که ظاهراً در همایش هم حضور داشته‌اند از هیچ‌کدام آن‌ها در کتاب «تماشای جان» نام نبرده‌اند! ایشان مأخذ خود را برای آن مقاله دو کتاب معتبر «ریحانة الادب» و «گنجینه‌ی دانشمندان» نوشته و خواسته‌اند تنها به استناد این دو کتاب علمای نهاوند را معرفی کنند. اولاً دو کتاب مزبور از بعضی از اهل علم نهاوند خواسته‌اند که علمای نهاوند را معرفی کنند و آن‌ها به هردلیل، فقط عده‌ای را نام برده‌اند.

ثانیاً « گنجینه‌ی دانشمندان » تألیف دوست فقید ما مرحوم آقا شیخ محمد رازی کتاب معتبری نیست. مجموعه‌ای است از آنچه خود دیده یا دیگران برای او نوشته‌اند و خالی از عیب و نقص هم نیست. مثلاً چند نفر از عمامه به سرهای نه‌اوند جزء علما به شمار رفته‌اند که عالم و درس خوانده نبوده‌اند! و ریحانة الأدب هم در این خصوص فقط نوشته‌ی ارسالی را درج کرده و اعتبار آن نوشته هم معلوم نیست.

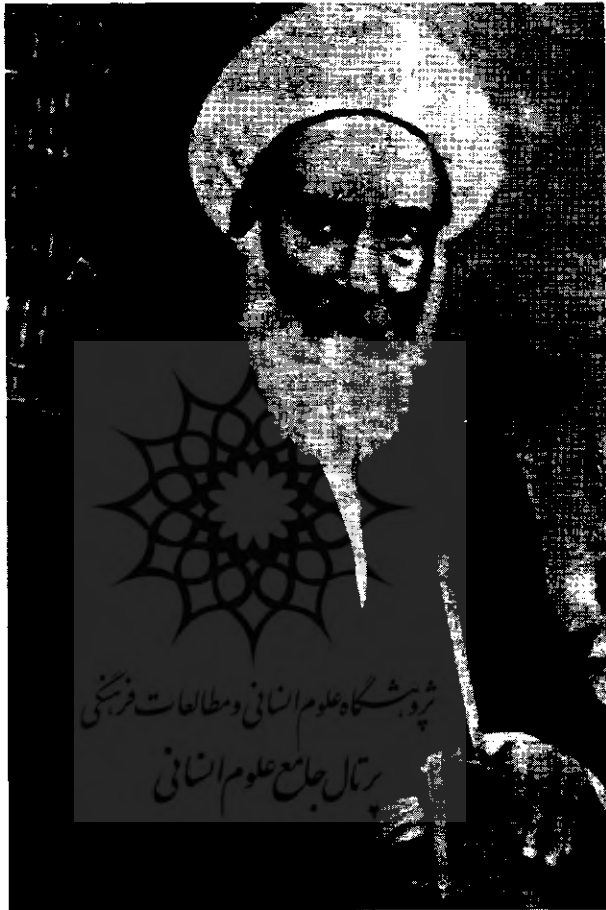
ثالثاً: آقای افراسیاب پور غیر از آن دو کتاب، چهار پنج مأخذ دیگر هم داشته و نام برده‌اند، بنابراین مأخذ مقاله منحصر به آن دو کتاب نبوده است. بر فرض که نام مرحوم آقا احمد در آن مأخذ نیامده باشد، ولی ایشان که یک فرد نه‌اوندی است و نام «آل آقا» را همه‌ی نه‌اوندی‌ها شنیده و پدر خود ایشان که در نه‌اوند است آن مرحوم را دیده و کاملاً می‌شناخته است و امروز بلواری در نه‌اوند به نام «بلوار آل آقا» است، این‌ها کافی نبود که در گزارش خود از علمای نه‌اوند، نام آیت‌الله آقا احمد آل آقا را در علمای نه‌اوند ذکر کنند!؟

اگر کسی از این همه سابقه امر اطلاع نداشته باشد تصور می‌کند، مرحوم آل آقا از علمای نه‌اوند نبوده که یک نفر نه‌اوندی نام او را نبرده است! این درست مثل این می‌ماند که فردی از اهالی بروجرد ۱۷ نفر از علمای بروجرد را نام ببرد و از آیت‌الله بروجردی نام نبرد!

چون آقای افراسیاب پور از نویسندگان فصل‌نامه‌اند خواهش می‌کنم از طریق همین مجله نظر و برداشت خود را توضیح دهند.

\*\*\*

ضمناً چون خواسته بودید شرح حالی از مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا را بنویسم و بفرستم تا در فصل‌نامه چاپ کنید، این شرح را ارسال می‌دارم. به طوری که اطلاع دارید من در مقاله‌ی یاد شده در شماره‌ی اول فصل‌نامه‌ی فرهنگان ( خاندان استاد کل وحید بهبهانی در نه‌اوند ) شرح حال مرحوم آیت‌الله آقا احمد را در ده صفحه نوشته بودم. ضمن این که خوانندگان و علاقه‌مندان را به آن مجله ارجاع می‌دهم، موارد زیر را نیز اضافه می‌نمایم:



مرحوم آیت الله آقا احمد آل آقا نهاوندی<sup>۱</sup>

۱- نسب و شرح حال او را که با چهار واسطه به استادکل وحید بهبهانی می‌رسد در آخر «شرح زندگانی استادکل وحید بهبهانی» و کتاب «علامه مجلسی» آورده‌ام. بدین گونه: آقا احمد بن آقا کاظم بن آقا علی بن آقا محمود بن آقا محمد علی بن آقا محمد باقر اصفهانی مشهور به وحید بهبهانی.

۱- مرحوم آیت الله آقا احمد از شاگردان مرحومین آیات عظام نجف اشرف: آیت الله میرزا حسین نایینی و آیت الله ی آسید ابوالحسن اصفهانی و نیز آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی بوده است. (تصویر اجازهای اجتهاد او را از مرحوم اصفهانی در پایان همین مقاله ملاحظه خواهید کرد.)

۲- کتب آن مرحوم پس از وفاتش در سال ۱۳۲۶ شمسی، به مدرسه‌ی علمیه‌ی نوبنیاد نهایند اهدا می‌شود. متأسفانه من در سال‌های اخیر متوجه این امر شده‌ام و گرنه در سال‌های پیش که به نهایند می‌آمدم آن‌ها را بررسی می‌کردم شاید دستخط و یادداشت‌هایی از آن مرحوم در لابه‌لا و حواشی آن کتاب‌ها می‌یافتم که برای من بسیار پر ارزش است.

۳- آن مرحوم و تمام افراد خاندان «آل آقا» عمه‌زاده‌ی مرحوم آیت الله عظمی آقای بروجردی هستند. چون جدی آن‌ها دختر آقا سید محمد طباطبایی بروجردی بوده است که استاد وحید و جد پنجم مرحوم آیت الله بروجردی است. به همین جهت احترامی که مرحوم آیت الله بروجردی برای او قائل بود و بر خانواده‌اش نماز گزارد و حوزه را به خاطر وفات او تعطیل کرد، به شرحی که در آن جا نوشته‌ام، از جمله‌ی این قرابت و انتساب بوده است.

۴- به طوری که می‌دانید تقریباً دو ماه پیش (اردیبهشت ۱۳۸۱) همسر مرحومه امجد خانم آل آقا آخرین صبیبه‌ی مرحوم آیت الله آل آقا به جهان باقی شتافت. در وصیت‌نامه‌اش ملک ارثی قریبه‌ی کوهانی نزدیک نهایند را وقف حضرت امام حسین علیه السلام کرده است. تصمیم دارم اگر وجه آن کفاف دهد، صرف بنای محلی به نام «فاطمیه» کنم که به یاد همسر در نهایند بماند، و گرنه سالانه صرف یکی دو دهه روضه‌ی امام حسین علیه السلام در نهایند و قریبه‌ی کوهانی شود.

۵- پیام‌های تسلیت زیادی در وفات همسرم از طرف مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری و ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و فضلا و محققین و شخصیت‌های علمی و فرهنگی نهادند و مقامات دیگر در جراید آن ایام منتشر شد که حاکی از شناخت و علاقه‌ی آنان به خاندان بزرگ و سرشناس آل آقا است.

۶- کتاب «شرح زندگانی استاد گل وحید بهبهانی» که اخیراً در حدود ۶۵۰ صفحه و در چاپ سوم به عنوان جلد نهم دوره‌ی کتابم «مفاخر اسلام» چاپ شده و تاریخ حیات علمی و دینی خاندان استاد گل است و جلد دوازدهم «مفاخر اسلام» که در چاپ چهارم، شرح زندگانی مرحوم آیت‌الله بروجردی است، خود قسمتی از تاریخ نهادند و آن حوالی است و در پایان آن، شرح حال و تصویر مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا آخرین فقیه و مجتهد این خاندان بزرگ، نیز آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 واللعنة الدائمة على عبد الله بن أبي طالب وبعدها صلوات الله وسلامه  
 التقوية والسليمة المستقيمة على آل بيت الله الطيبين الطاهرين  
 الاغنياء عن الدنيا والآخرة والذين هم على ما هم عليه  
 الوحيد بهم في كل زمان ومكان في كل زمان ومكان في كل زمان ومكان  
 مولانا ايرالمؤمنين صلوات الله وسلامه على الجهادية الطاهرين خراسان  
 و مقامات سايه و بنج رتبه الاجتهاد و تقوية بالصلاح و  
 الاصحاح على نهج ائمه بن محمد بن باقر و سنده على ما  
 و قد جرت له ان يرد عن صاحب الرواية و سنده ان لا  
 الاصحاح ابو الحسن الموسوي

